

<p>■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیماي جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی</p>		<p>حدیث روز:</p> <p>امام صادق(ع)،عافیت، نعمتی سبک‌وزن است تا هست، فراموش می‌شود و چون رفت، به یاد می‌آید.</p>
<p>واحه:</p> <p>مقدار یار همنفس چون من نداند هیچ کس ماهی که بر خشک او قند قیمت بداند آب را</p>		<p>اوقات شرعی:</p> <p>اذان ظهر: ۱۳/۰۱ اذان مغرب: ۲۰/۳۱ اذان صبح (فردا): ۴/۰۹ غروب آفتاب: ۲/۱۱ نیمه شب شرعی: ۰۰/۱۰ طلوع خورشید(فردا): ۵/۵۲</p>
<p>حکمت ۱۹:</p> <p>هر که عنان مرکب آرزو را رها کند و در پی آن بشتابد مرگش بلغزاند و بر زمین رزد.</p>		<p>اوقات شرعی:</p> <p>اذان ظهر: ۱۳/۰۱ اذان مغرب: ۲۰/۳۱ اذان صبح (فردا): ۴/۰۹ غروب آفتاب: ۲/۱۱ نیمه شب شرعی: ۰۰/۱۰ طلوع خورشید(فردا): ۵/۵۲</p>

مقطع حساس کنونی هنری که بودو در این مورد به خصوص چه کرد؟

هنری چهارم ملقب به هنری کبیر، نخستین پادشان از دودمان بوریون بود که پس از هنری سوم بیش از ۲۰سال بر فرانسه سلطنت کرد و نخست با مارگریت دووالوا، فرزند هنری دوم و سپس با ماری مدیچی ایتالیایی ازدواج کرد. وی که طی این دوازدواج وموارد دیگر علاوه برلویی سیزدهم که پس از او به سلطنت رسید، چند فرزند نامشروع و متفرقه نیز داشت، پادشاهی مهربان، همه فهم، دارای درک و درایت بالا و جالب بود که برای مثال دستور داده بود هر شب براساس قرعه دو نفر از درباریان بیرون از اتاق خواب وی به نگهبانی مشغول باشند تاازاین طریق هم خطر کودتای شبانه نظامیان را دفع کند و هم به واسطه انتخاب توسط قرعه، توطئه های احتمالی درباریان را خنثی کند. یک شب که هنری تلاش می کرد به خواب برود و خوابش نمی برد و دو نفر از درباریان بیرون در مشغول نگهبانی بودند، یکی از آنها با صدای آهسته به دیگری گفت: ای فرانسوا، پادشاه هنری خیلی پادشاه بی انصافی است.

فرانسوا که به علت آهسته بودن صدای وی، صدایش را نشنیده بود با صدایی آهسته گفت: چی گفتی؟ شخص اول با صدایی کمی بلندتر از قبلی بود، گفت: گفتم پادشاه هنری خیلی بی انصاف است ای فرانسوا.

فرانسوا که واقعا گوشش مقداری سنگین بود بار دیگر گفت: نشنیدم، هنری چهارم که گوش های تیزی داشت و از همان اول صدای شخص اول را شنیده بود، گفت: ای فرانسوا، می گوید من خیلی پادشاه بی انصافی هستم. شخص اول بدون این که خودش را گم کند، گفت: اعلی حضرت، لطفا بگیرید بخوابید. حالا ما تا صبح حرف های زیادی درباره شما داریم که بگویم. هنری چهارم که علاوه بر سایر محاسن و مزایایی که داشت شخصی دموکرات محور و طرفدار آزادی بیان نیز بود، گفت: بایباید حرف هایتان را در حضور خودم بنزید و به این ترتیب آن دو نزد هنری رفتند و تا صبح به آزادی بیان و انتقاد آزادی پرداختند و خودشان را خالی کردند و فردا صبح نیز هنری خودش را نسبت به آنها خالی کرد. پادشان گرمای و راهشان بررهو باد.

شاپا۵:ISSN1۷۳۵-۳۶۳۷
پایگاه اطلاع رسانی:
www.jamejamonline.ir
www.jamejamdaily.ir
پست الکترونیکی:
info@jamejamdaily.ir

چهارشنبه ۵ خرداد ۱۴۰۰
۱۴ شوال ۱۴۴۲
صفحه ۲۰
سال بیست و دوم - شماره ۵۹۴۷
استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان ها ۱۵۰۰ تومان
Wednesday - May 26, 2021

وضعیت آب و هوای امروز	تهران	اهواز	ارومیه	بوشهر	زاهدان	سمنان	شیراز	قم
۲۷ / ۱۸	۳۹ / ۲۶	۲۵ / ۱۱	۳۶ / ۲۷	۳۶ / ۲۲	۳۰ / ۱۸	۳۳ / ۱۵	۳۲ / ۱۸	۳۲ / ۱۸

❗ **خرابی های نفت**

«مسجد سلیمان قبل از اکتشاف نفت، منطقه سرسبزی بود که مردمانش با کشاورزی و دامداری امرار معاش می کردند. امانفت که پیدا شد، زمین های کشاورزی و چراها از بین رفت و مردم بومی که کشاورز بودند و دامدار تبدیل به کولی (عمله) شدند. در کتاب فوران همه اینها را نوشته ام. ارامنه تعدادشان در مسجد سلیمان زیاد بود که همه کارمندان فنی شرکت نفت بودند که بعد از اتمام چاه های نفت کلا از مسجد سلیمان مهاجرت کردند و رفتند. وقتی شهر پایر شد، مردم محلی هم ترک شهر کردند و پراکنده شدند در تمام ایران و حتی تمام جهان. »

نیوزویک می خواندیم

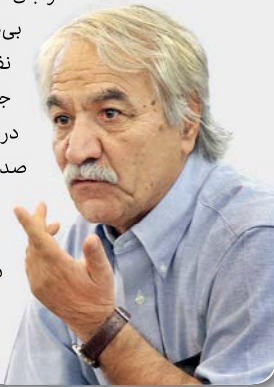
«مسجد سلیمان با همه فراز و نشیبی که طی کرده، یکی از پر بارترین شهرهای ایران در زمینه فرهنگی است. موج شعر ناب، موج نو و شعر دیگر از این شهر پا گرفت. آقای هوشنگ چالنگی که منبع شعر دیگر است. آقای سید علی صالحی که شاعر شعر نواست، یارمحمد اسدپور، هرمز علیپور از مسجد سلیمان پا گرفتند. داستان نویسان بزرگی هم داریم که می توان به منوچهر شفیانی اشاره کرد که اولین روستایی نویس ایران است. خودم ۱۳۲۷ در مسجد سلیمان به دنیا آمدم و دیپلم را در همین شهر گرفتم و بعد برای ادامه تحصیل به دانشگاه تهران رفتم و بعد از اتمام تحصیل جذب آموزش و پرورش شدم. فضای آموزشی و تحصیلی در مسجد سلیمان خیلی خوب بود. شرکت نفت امکانات آموزشی زیادی را به این شهر آورده بود. بهترین کتابخانه ها در این شهر بود. مجله های معروفی مانند نیوزویک به دست ما می رسید و بهترین کتاب ها و فیلم ها را قبل از این که مثلا به تهران یا شهرهای بزرگ دیگر برسد ما می دیدیم و می خواندیم. این امکانات کم و بیش در اختیار کارمندان و خانواده هایشان بود اما دانش آموزان از امکانات خوبی برخوردار بودند.»



که نه کارگر بودند و نه کارمند. اینها کسانی بودند که از روستا رانده شده و از کوچ و امانده بودند و در حاشیه شهر خانه های گلی ساخته بودند و زندگی رقت بار پر از محرومیت را تجربه می کردند. زمانی که نفت تمام شد و خارجی ها و کارمندان و برخی کارگران از شهر رفتند، اینها ماندند و همچنان به زندگی پر از محرومیت خود ادامه می دهند. نفت که تمام شد، تقریبا حیات هم در مسجد سلیمان تمام شد. در واقع از چشم انگلیسی ها مسجد سلیمان کارگاهی بود برای استخراج نفت و زمانی که نفت تمام شد دیگر شهر برایشان معنایی نداشت، آنها رفتند و شهر با کمترین امکانات به حیات خود ادامه داد. معضلات شهر خیلی زیاد است و انگار کسی برای حل این مشکلات برنامه ای ندارد.»

شهر اولین ها

«اولین چاه های نفت در مسجد سلیمان بود. نفت از این شهر به پالایشگاه آبادان پمپاژ می شد. اولین خارجی ها به این شهر آمدند و بعد پایشان به اهواز، آبادان و خرمشهر هم باز شد. مسجد سلیمان چند سالن سینما داشت و فیلم های روز دنیا در آنها به نمایش درمی آمد. انگلیسی ها گلف باز بودند و اولین زمین گلف بازی در این شهر راه اندازی شد و سال های زیادی قهرمانانی از این شهر به مسابقات جهانی راه پیدا کردند. فوتبال هم علاقه مندان زیادی داشت و زمین بازی فوتبال در مسجد سلیمان ساخته شد و هنوز هم که هست در منطقه بی بی انیم فوتبال این شهر از بهترین هاست. تا زمانی که چاه های نفت فعال بود فوتبال مسجد سلیمان نه تنها در ایران که در جهان هم سرزبان ها بود. ورزش برداری هم از آن ورزش هایی بود که در مسجد سلیمان حرف اول را می زد. زمان جنگ این شهر از طرف صدام مشکوکاران می شد اما چیزی نداشت که صدام طالب آن باشد و بخواهد مسجد سلیمان را تصرف کند. این شهر در دوران جنگ تقریبا پشت صحنه بود و تدارکات برای برخی عملیات از این شهر انجام می شد. با همه اینها الان مسجد سلیمان شهری کم امکانات است که فقط مردمی در آن زندگی می کنند که یا کارمند شرکت نفت هستند یا بومیانی که جایی برای زندگی ندارند.»



اینجاست که هیچ کس درباره آنها نمی گوید و نمی نویسد. مثلا درباره محرومیت های سیستمان و بلوچستان زیاد می شنویم حتی فقر و تنگدستی مردم جاسک و اطراف کرمان را. اما درباره مسجد سلیمان چیزی گفته نمی شود. این شهر کاملا فراموش شده.

قباد آذرآیین، نویسنده ای که متولد و بزرگ شده مسجد سلیمان است و کتاب فوران را برای شهرش نوشته، درباره فراموش شدن مسجد سلیمان می گوید: «وقتی نفت در این شهر یافت شد و چاه هایش فوران کرد، انگلیسی ها به مسجد سلیمان آمدند و برای تبدیل کردن این شهر برای سکونت، امکانات زیادی دایر کردند تا بتوانند در مسجد سلیمان زندگی راحتی داشته باشند. مسجد سلیمان تبدیل به شهری صنعتی با امکانات روز دنیا شد، مثلا اولین شرکت شیر پاستوریزه و شرکت برق در این شهر دایر شد. اما زمانی که نفت ته کشید و چاه ها تعطیل، انگلیسی ها و دیگر خارجی ها از مسجد سلیمان رفتند و این شهر تبدیل شد به شهری متروکه و فراموش شده، شهری که انگار گم شده است.»

محرومان دائمی مسجد سلیمان

آذرآیین می گوید: «مسجد سلیمان قبل از اکتشاف نفت، شهر نبود، منطقه ای سرسبز و آباد بود که محل قشلاق ایل بختیاری بود. استخراج نفت که شروع شد، مسجد سلیمان هم به سمت شهر شدن پیش رفت. انگلیسی ها وقتی وارد مسجد سلیمان شدند، شهر را طبقه بندی کردند، هم برای خودشان و هم برای آمریکایی ها که بعد آمدند. آنها برای خودشان رفاه کامل را پدید آوردند. کارمندان عالی رتبه که ایرانی بودند هم در کنار انگلیسی ها از امکانات رفاهی استفاده می کردند. محله های شهر به محله های کارمندانشین و کارگرنشین تقسیم شده بود اما در کنار اینها گروهی هم بودند

قول های احمد توکلی اگر رئیس جمهور شود

دکتر احمد توکلی که نامزد انتخابات ریاست جمهوری است به جام جم گفت: اگر من به رای مردم رئیس جمهور شوم، ملاک های تیار گراییانه، قوم سالارانه و حزب محورانه را برای تقسیم پست های سیاسی و اجرایی در نظر نخواهم گرفت. در جمهوری دوم که من مطرح کرده ام در پست های اجرایی اصل بر بقای مدیران به شرط داشتن صلاحیت، وطن پرستی و عدم فساد خواهد بود و ملاک های جناحی و سیاسی برای من ارزش نخواهد داشت. اما در پست های سیاسی هماهنگی فکری و سیاسی مدیران با هم از یک طرف و قبول مدیریت و سکانداری رئیس جمهور از طرف دیگر خواهد بود. (صفحه ۲)

آمریکا تحریم های نفتی ایران را تمدید می کند

به نوشته هفته نامه نفتی پترولیوم آرگوس چاپ لندن، آمریکا احتمالا تحریم های یک جانبه نفتی خود علیه ایران را تمدید خواهد کرد. مدت اعتبار قانونی تحریم ایران و لیبی که در سال ۱۹۹۶ میلادی با هدف جلوگیری از سرمایه گذاری کلان شرکت های غربی در طرح های انرژی این دو کشور وضع شده اواسط مرداد امسال تمام می شود اما حامیان تحریم ها بر این باورند برنامه ایران برای دستیابی به سلاح های مخرب در دولت خاتمی سرعت گرفته بنابراین باید تحریم ها دوباره تمدید شود. (صفحه ۴)



در همین روزهای ابتدایی قطعی برق، خرده روایت های غم انگیزی را شنیده ایم که بعضی شان خنده ای تلخ، از آن «خنده تلخ من از گریه غم انگیزتر است» ها روی لب مان نشاند. از شرطنچ بازی که به دلیل قطعی برق در مسابقات آنلاین شکست خوردند تا دانش آموزانی که نتوانستند امتحانات مجازی شان را بدهند و کسانی که در آسانسور گیر کردند و هزار جور درد و مساله دیگر. اما این میان، عکسی که بسیار در فضای مجازی چرخید و همان نوع لبخند را روی لب مان آورد و باعث شد علاوه بر حس حسرت و نفرت و خشم، حس افتخار مان هم بجنبید، عکس پزشکی بود که در قطعی برق با نور چراغ قوه مشغول عمل جراحی هستند.



❗ **جراحی با چراغ قوه**

تلنگر

علیرضا رافتی

روزنامه نگار

قرار بود روشن شود در این چند هزار سال که خط اختراع شده تا الان باید دنیا چراغانی بود. حال شاید تا اینجا حرفم را بخوانید و بعد اگر خودکار قرمز دم دست تان باشد رویش قلم بکشید یا اگر تلفن دم دست تان باشد، زنگ بزنید به روزنامه که این ستون نویس تان چرا اراجیف می بافت؟! چرا ادبیات و فرهنگ را زیر سؤال می برد؟! از فوتبالیست بکشیم از روزنامه نگار هم بکشیم؟! اما راستش را بخواهید، اگر بخواهیم واقع بین باشیم هر چه این چند روز در مطبوعات و رسانه های مکتوب از معضلی بی برقی در شهرها نوشتیم، چراغی روشن نشد. از آنجا هم که آدمیزاد به طور کل ذاتش این شکلی است که اگر معضلی را نتواند تغییر دهد، کم کم با آن خو می گیرد، احتمالا الان بسیاری از مردم دارند به این فکر می کنند که شاید بدون کولر هم بشود گرمای ظهر خرداد ماه را تاب آورد یا بسیاری دیگر از دانش آموزان به این فکر می کنند که شاید بشود امتحان را که توسطش برق رفته و نیمه کاره مانده با بهانه ای موجه معلم را مجاب کرد تا دوباره برگزار کند و با همین چارچوب دیگر مشاغل و اصناف را هم تصور کنید که چه تمهیداتی برای ساعت بدون برق شان اندیشیده اند.



گفت وگو با جعفر دهقان درباره سینمای جنگ

بازیگری که در فیلم های دفاع مقدس و جنگی بازی می کند چه ویژگی هایی باید داشته باشد؟

این که می گویند بازیگر سینمای جنگ باید خودش جنگ را از نزدیک تجربه کرده باشد حرف منطقی نیست. به نظرم هر کسی احساس کند نسبت به مردم و جامعه خودش متعهد است و دوست دارد در سینمای دفاع مقدس فعالیت کند، نباید برایش مانع تراشی کرد و گفت شما مثلا جزو فلان باند نیستی پس نباید در فیلم های جنگی بازی کنی. باید درها باز باشد تا هر کسی که دوست دارد در سینمای دفاع مقدس حضور پیدا کرده و کار کند.

برای جامعه ای که رو به آرامش می رود سینمای جنگ چقدر لازم است؟

سینمای جنگ همیشه به معنای سینمای خشونت نیست. در زمان جنگ لازم بود که فیلم های حماسی ساخته شود که ارتباط مستقیم با جنگ داشت اما الان جنگ تمام شده و مسائل زیادی است که گفته نشده و می توان با استفاده از سینما آنها را بیان کرد. (صفحه ۱۰)

پرواز بزرگ ترین هواپیمای جهان

آنتونوف ۲۲۵، بزرگ ترین هواپیمای جهان یک دهه بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی مجددا پرواز کرد. آنتونوف غول آسا که مدل جدیدی از هواپیماهایی است که ابتدا برای حمل شاتل فضایی بوران طراحی شده بود توانست آزمون پرواز ۱۵ دقیقه ای خود را از فرودگاهی در نزدیکی کی یف پایتخت اوکراین با موفقیت به پایان برساند این هواپیمای شش موتوره می تواند بیش از ۲۵۰ تن بار را حمل کند که این دو برابر میزانی است که در حال حاضر بزرگ ترین هواپیمای جهان قادر به حمل آن است. این هواپیما توانایی حمل ۸۰ خودرو را دارد. (صفحه ۱۲)

نوار ویدئویی «ولایت عشق» منتشر می شود

به مناسبت پخش موفقیت آمیز سریال «ولایت عشق» برای اولین بار این سریال در شش حلقه نوار ویدئویی و ۱۰ لوح فشرده (سی دی) منتشر می شود. شرکت سروش که این ویدئوها را منتشر می کند در این باره اعلام کرد: براساس توافق بین شرکت سروش و صدا و سیما از این پس همه سریال های تلویزیونی به صورت نوار ویدئویی (VHS) و لوح فشرده تصویری (VSD) منتشر خواهد شد. (صفحه ۳)

